

فصل اول

معلولیت و جامعه



زنان دارای معلولیت حق دارند که صحت خوب داشته باشند. صحت خوب وابسته است به خوردن غذای کافی و خوب، فعالیت فیزیکی منظم و دسترسی به معلومات و خدماتی که مشکلات صحتی را وقایه و تداوی نماید، خاصتاً مشکلات مربوط به صحت باروری. همچنان برای انکشاف تمام توانایی‌های بالقوه‌شان زنان و دختران دارای معلولیت به تعلیم و تربیه خوب، وظیفه و فرصت‌هایی نیاز دارند تا در جوامع خویش سهمیه بگیرند.



از هر ۱۰ زن ۱ زن معلولیتی دارد که زندگی روزانه اش را متأثر می‌سازد.



زمانی که ما فرصت‌های مشابه داشته باشیم می‌توانیم مانند هر زن دیگر در زندگی خانواده و جامعه سهم خود را ادا نماییم.

معلولیت چیست؟

بسیاری زنان دارای معلولیت اصطلاحات ناتوانی، اختلال یا آسیب دیدگی را در مورد محدودیت‌های خاص خویش بکار می‌برند. این محدودیت‌ها می‌توانند شامل حالات نابینایی، ناشنوایی و حالاتی باشد که حرکت کردن و حرف زدن در آن مشکل یا ناممکن است، حالاتی که آموزش و درک را مشکل می‌سازند و حالاتی که می‌توانند سبب اختلاجات گردند.

یک زن دارای معلولیت ممکن است به روش متفاوتی نسبت به یک زن بدون معلولیت حرکت کند، ببیند، بشنود یا بیاموزد و درک نماید. ممکن است طرز رسیدگی یک خانم دارای معلولیت در زندگی روزانه، برای ارتباط برقرار کردن و مفاهمه نمودن، غذا خوردن، حمام نمودن، لباس پوشیدن، از حالت غلظیده برخاستن و یا طفل خود را نقل دادن یا غذا دادن، متفاوت باشد. تطابق و توافق با محدودیت هایش یک جزء عادی زندگی اش است.

کیفیت پائین زندگی ما از سبب آسیب دیدگی ما نیست، بلکه علت آن اصول موجود اجتماعی است. راه حل آن نیز به بدن ما وابسته نیست.



علی الرغم توانایی‌هایی که هر خانم در پیدا کردن راه حل‌هایی برای مشکلات ناشی از معلولیت خویش دارند، آنها همچنان به موانع اجتماعی، فیزیکی، فرهنگی و اقتصادی مواجه می‌باشند که هر یک از این موانع می‌توانند آنها را از دستیابی به مواظبت‌های صحی، تعلیم و تربیه، آموزش حرفه و استخدام شدن باز دارد.

گرایش‌ها موانع را ایجاد می‌کنند

گرایش‌ها و نظریات نادرست در مورد این که چه کاری را یک خانم دارای معلولیت انجام داده می‌تواند یا انجام داده نمی‌تواند، ممکن است یک زن دارای معلولیت را از پیش بردن یک زندگی کامل و صحتمند و یا سهمگیری در زندگی اجتماعی مانع شود. آنها مزید بر معلولیت وی شده، موانعی را ایجاد می‌کنند که مانع تعلیم و تربیه و کار وی شده و او را از داشتن حیات اجتماعی باز می‌دارند.

طور مثال، معلمی به این عقیده است که چون یک دختر نابینا است، بناء نمی‌تواند بیاموزد. مگر عدم توانایی دختر در شنیدن و دیدن اصل مشکل نیست. یک دختر نابینا می‌تواند با شنیدن و استفاده از دیگر حواس خود مانند بویایی و تماس بیاموزد. در صورتی که کتاب‌هایی با نوشته‌های برجسته یا بریل و یا ثبت معلومات در کست‌های صوتی داشته باشد، حتی می‌تواند بهتر بیاموزد. و دختری که ناشنوا است می‌تواند بیاموزد در صورتی که دیگران زبان اشاره و روش‌های بصری تدریس را استفاده نمایند.



بسیاری زنان دارای معلولیت مخفی هستند. ما در فعالیت‌های اجتماعی شامل ساخته نمی‌شویم زیرا مردم فکر می‌کنند که منفعت ما برای جامعه کمتر است و نظر به زنان غیر معلول ارزش ما کمتر است.

یک خانمی که نمی‌تواند راه برود این توانایی را خواهد داشت که از یک وسیله نقلیه بسیار خوب استفاده نماید و قادر خواهد بود که کسب عاید نموده و خانواده خود را کمک کند. اما اگر خانواده خانم و جامعه از شیوه حرکت کردن خانم خجالت می‌کشند و از وی می‌خواهند که خود را در گوشه پنهان نماید، این احساس شرم و ننگ آنها است که خانم را معلول و ناتوان می‌سازد.

تمام جوامع شامل افرادی با بعضی اختلال‌ها یا معلولیت‌ها می‌باشند. این یک حالت نورمال است. اما این موضوع نورمال نیست که شخصی به سبب اختلالی که دارد قربانی تبعیض شده و بیرون رانده شود، این معلول ساختن و ناتوان ساختن است!

درک طبی از معلولیت

بیشتر داکتران و سایر کارکنان صحتی تنها معلولیت افراد را می‌بینند. آنها یک شخص یا یک خانم دارای معلولیت را تمام و کامل نمی‌بینند. آنها فکر می‌کنند افراد دارای یک "اختلال یا معلولیت" یک "مشکل یا تقصیری" در خود دارند و باید علاج گردند، احیاء شوند و یا محافظه گردند. وقتی پله‌های زینه و یا گرایش‌های غلط، شفاخانه‌ها و دیگر تسهیلات عامه و اجتماعی را طوری ساخته که برای همه قابل استفاده نیست، پس این سیستم طبی است که "مشکل یا تقصیر" در خود دارد و باید علاج شود یا احیاء مجدد گردد. در این قضایا، این معلولیت یک خانم نه بلکه درک طبی از معلولیت است که برای خانم یک زندگی صحتمند و خوش آیند را ناممکن می‌سازد.

ما با معلولیت خود کنار می‌آییم،

اما صرف شما می‌توانید تبعیض اجتماعی را که بر ضد ما اعمال میشود، توقف دهید.



ما در مورد زندگی خود خود ما تصمیم می‌گیریم. ما نمی‌خواهیم مواظبت و دستگیری ناخواسته را قبول نماییم.



معلولیت یک بخش طبیعی زندگی است

همیشه یکتعداد افراد با اختلال‌هایی تولد خواهند شد. و همیشه حوادث و مریضی‌ها وجود خواهد داشت. مگر دولت‌ها و جوامع می‌توانند کار کنند تا علت‌های اجتماعی معلولیت را تغییر دهند، محدودیت‌هایی که بر افراد دارای معلولیت توسط گرایش‌ها و موانع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فیزیکی بر سهم‌گیری آنها در جامعه تحمیل می‌شود. صحت فیزیکی و روانی زنان دارای معلولیت زمانی بهبود خواهد یافت که جامعه دسترسی را بهتر سازد، پیش‌دآوری‌ها و تبعیضات را به چالش بکشند و فرصت‌های کاری را برای آنها ایجاد کنند.

زنان دارای معلولیت در بنگلور هند راه را نشان میدهند.

در شهر جنوبی بنگلور هند، چهار زن جوان دارای معلولیت فیزیکی - شاهینه، نوری، دیواکی و چاندراما- وسایل کمکی بازتوانی را برای سایر زنان ساخته و به آنها تطابق میدهند. آنها در "کارگاه کمک‌های بازتوانی توسط زنان دارای معلولیت" کار می‌کنند. این کارگاه در سال ۱۹۹۷ توسط ۸ زن دارای معلولیت ایجاد شده بود که توسط یک موسسه غیر انتفاعی - غیر دولتی بنام Mobility India آموزش دیده بودند تا کمک‌کننده‌های حرکتی را بسازند.



هرچند قبل از شروع کار این زنان تسهیلات دیگری نیز موجود بود، مگر تنها تکنیسین‌های مرد موجود بودند تا اندازه‌گیری نموده و وسایل کمکی را بسازند و زنان دارای معلولیت تمایل نداشتند که به آنها مراجعه نمایند. آنها از این شرم داشتند که به مردان اجازه دهند اندام آنها را اندازه‌گیری نموده و وسیله کمکی را به اندازه آنها ساخته یا وصل نمایند. از این سبب بسیاری زنان وسایلی را که میتوانست آنها را در حرکت کردن کمک نماید استفاده نمی‌کردند. "کارگاه کمک‌های بازتوانی توسط زنان" حالا انواع زیادی از وسایل کمکی بازتوانی را برای پا، مفصل بند پا و مفصل زانو می‌سازد. اینها شامل عصای زیربغل، Walker، بوت‌ها، کمربندها و اتل‌ها و همچنان اعضای مصنوعی می‌شود.

با افزایش اعتماد به نفس و مهارت زنان در "کارگاه کمک‌های بازتوانی توسط زنان"، آنها شروع نمودند به ارائه خدمات برای سازمان‌های دیگری که برای زنان دارای معلولیت کار می‌نمودند. و حالا بر علاوه خدمات را برای چندین شفاخانه و معاینه‌خانه‌های خصوصی داکتران در بنگلور - هند عرضه می‌دارند.

زنان مواد را برای ساختن وسایل کمکی تسلیم می‌شوند، ثبت و راجستر مراجعه‌کنندگان را انجام می‌دهند، ویزیت‌های منظم تعقیبی را انجام می‌دهند و تجارت خود را مدیریت می‌نمایند. "کارگاه کمک‌های بازتوانی توسط زنان" همچنان دیگر زنان دارای معلولیت را تشویق می‌نمایند تا با ایشان تکنیسین یا اهل فن شوند و آنها را آموزش می‌دهند تا وسایل کمکی بازتوانی و اعضای مصنوعی را ساخته و ترمیم نمایند. اینکار مساوات را برای زنان دارای معلولیت تشویق می‌نماید، بخصوص زنانی که توسط خانواده‌های شان ترک شده‌اند و علاوه آنها وسیله امرار معاش فراهم می‌شود.

منابع و فرصت‌ها

در یکتعداد زیاد جوامع، زنان منابع و فرصت‌های کمتری نسبت به مردان دارند. این عدم تساوی بین زنان و مردان در افراد دارای معلولیت نیز واقعیت دارد.



با داشتن منابع بیشتر، به ما توجه شده، صدای ما شنیده شده و کنترل بیشتری بر زندگی خود خواهیم داشت.

چوکی‌های چرخدار، اعضای مصنوعی، صنوف زبان اشاره، لوح‌های بریل (که زنان نابینا را کمک می‌نماید تا بخوانند) و دیگر منابع اغلب برای زنان دارای معلولیت نسبت به مردان دارای معلولیت قیمتی‌تر و کمیاب‌تر است. بدون این نوع کمک‌ها، زنان و دختران دارای معلولیت

بسیار مشکل خواهند داشت تا تعلیمات لازم را حاصل نموده و کاری برای خود انجام دهند. در نتیجه کمتر توانایی آنها خواهند داشت تا وظیفه داشته باشند، تا بر زندگی خودشان کنترل داشته باشند و تا بتوانند سهم فعالی در زندگی اجتماعی شان داشته باشند.

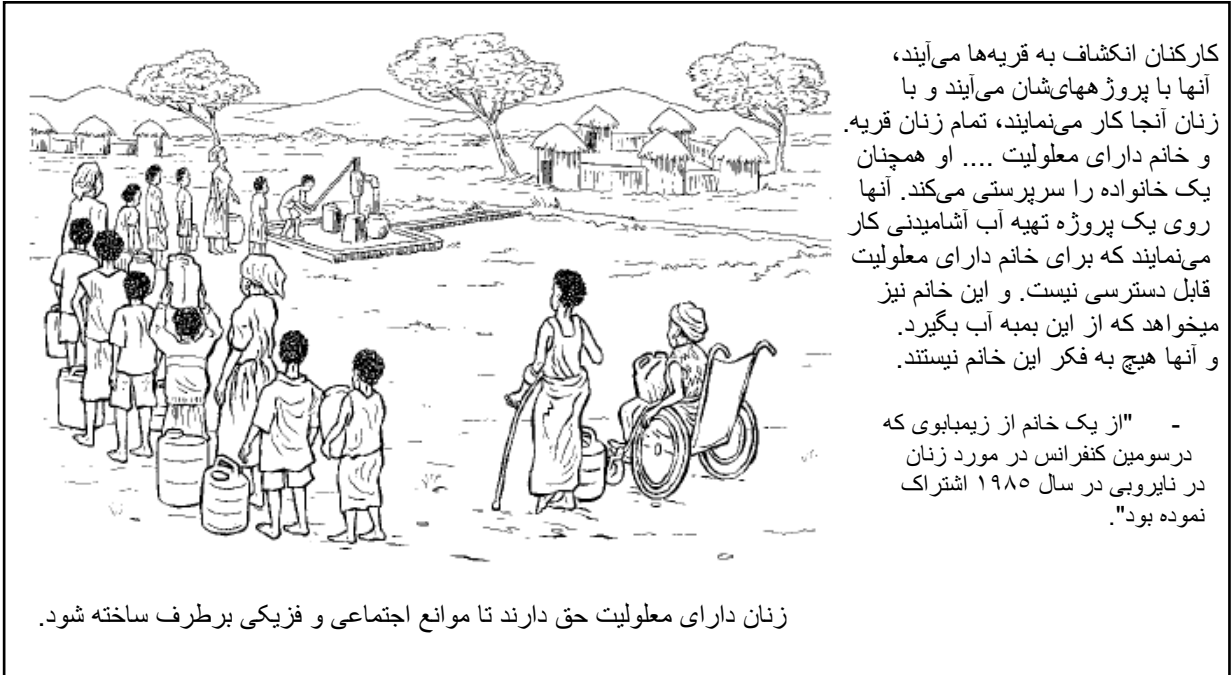
موانع فیزیکی

بسیاری زنان دارای معلولیت نمی‌توانند از تسهیلات اجتماعی، بانک‌ها و یا شفاخانه‌ها استفاده نمایند زیرا بیشتر تعمیرها راهروهای باسطح مایل و کتاره‌های دستگیره دار برای معلولان، آسانسور و یا لیفت ندارند. موانع فیزیکی رفتن و حرکت کردن در تسهیلات را به زنان دارای معلولیت به تنهایی و بدون کمک دیگران مشکل می‌سازد. هرگاه زنان در اثر این گونه موانع متوقف گردند، آنها اغلب نخواهند توانست غذای خوب گرفته، تمرین کافی نمایند و یا مواظبت‌های صحی مورد نیاز را حصول نمایند.

بسیاری مردم بشمول کارکنان صحی ممکن است به این عقیده باشند که اگر زن که چوکی چرخدار استفاده می‌کند نمی‌تواند داخل یک تعمیری شود که تنها زینه دارد، باید این خانم بیاموزد که پابندها را بپوشد و یا عصای زیربغل استفاده نماید و یا کسی را داشته باشد که او را نقل دهد. این معلولیت خانم نه بلکه موانع فیزیکی است که داخل شدن وی را به تعمیر ناممکن می‌سازد. اگر سطح مایل وجود داشته باشد خانم دارای معلولیت می‌تواند چوکی چرخدار خود را بداخل تعمیر براند و مشکلی نخواهد بود.

من یک مادر هستم با معلولیت فیزیکی و یک پسر دارم که او هم معلولیت فیزیکی دارد. هر دفعه که ما به رستوران و بازار و یا هر جایی که می‌رویم، ما مجبور هستیم که از زینه‌ها بالا و پائین شویم. این حالت توجه زیادی را به ما جلب می‌نماید. این واقعاً دلیلی کننده است و به ما این احساس را میدهد که انسان‌های کمتری هستیم.





کارکنان انکشاف به قریه‌ها می‌آیند، آنها با پروژ‌ه‌های‌شان می‌آیند و با زنان آنجا کار می‌نمایند، تمام زنان قریه و خانم دارای معلولیت او همچنان یک خانواده را سرپرستی می‌کند. آنها روی یک پروژ‌ه تهیه آب آشامیدنی کار می‌نمایند که برای خانم دارای معلولیت قابل دسترسی نیست. و این خانم نیز میخواهد که از این بمیه آب بگیرد. و آنها هیچ به فکر این خانم نیستند.

- "از یک خانم از زیمبابوی که در سومین کنفرانس در مورد زنان در نایروبی در سال ۱۹۸۵ اشتراک نموده بود."

زنان دارای معلولیت حق دارند تا موانع اجتماعی و فیزیکی برطرف ساخته شود.

اسباب معلولیت

بعضی زنان از زمان تولد معلول اند. بعضی زنان با گذشت زمان بیشتر معلولیت پیدا می‌کنند. بعضی زنان در اثر یک تصادف یا یک مریضی دفعتاً معلول می‌شوند.

اینکار ممکن نیست که تمام اختلالات وقایه شوند. بعضی اطفال در داخل رحم بگونه دیگری شکل می‌گیرند و هیچکس نمی‌داند که چرا.

مگر بسیاری معلولیت‌های اطفال از سبب وضعیت پر ضرر زندگی زنان بوجود می‌آید. اگر زنان بتوانند غذای کافی و مغذی برای خوردن داشته باشند، بتوانند خود را از کار با مواد کیمیای توکسیک محافظه نمایند و بتوانند مواظبت‌های خوب صحی بشمول مواظبت زمان حاملگی و ولادت را حاصل کنند، بسیاری معلولیت‌ها جلوگیری خواهد شد.

فقر و سوء تغذی

فقر یکی از بزرگترین علل معلولیت می‌باشد. افراد فقیر بیشتر برای معلولیت آسیب‌پذیر هستند زیرا آنها مجبورند در محیط‌های غیر صحی و غیر مصوون، محلات مزدحم و با دسترسی کمتر به تعلیم و تربیه، آب صحی و یا مقدار کافی غذای خوب زندگی و کار نمایند.

این حالت مصاب شدن به مریضی‌هایی مانند توبرکلوز و پولیو را مساعد می‌سازد زیرا در این شرایط مرض بسهولت از یکنفر به دیگران سرایت می‌کند و این امراض سبب معلولیت‌های وخیم می‌گردند.



من مریض
هستم، زیرا
گرسنه می‌باشم.



بسیاری اطفالی که در خانواده‌های فقیر تولد می‌شوند ممکن است با معلولیت به دنیا آمده و یا در دوره شیرخوارگی وفات یابند. این ممکن از سببی باشد که مادر در زمان حاملگی به مقدار کافی غذا نمی‌گیرد. و یا ممکن بدان سبب باشد که خانم در زمانی که هنوز یک دختر در حال رشد بوده، مقدار کافی غذا نخورده است. از آغاز طفولیت اغلب به دختران کمتر از پسران غذا داده می‌شود. در نتیجه ممکن است دختر رشد بطنی‌تری داشته و استخوان‌هایش رشد کامل نداشته باشد که بعداً می‌تواند در زمان ولادت سبب مشکلاتی گردد، بخصوص اگر نتواند مواظبت‌های خوب صحتی دریافت نماید.

مادر این طفل که لب‌چاک و کام‌چاک است، در زمان حاملگی مقدار کافی غذاهای حاوی فولیک اسید و کلسیم (مانند سبزی‌های دارای برگ سبز تیره، حبوبات و تخم مرغ نخورده است).

اگر یک نوزاد و یا طفل کوچک غذای کافی برای خوردن نداشته باشد، ممکن است نابینا شده و یا مشکلات در آموزش و یادگیری داشته باشد.

جنگ

در جنگ‌های امروزی شهروندان بیشتری نسبت به عساکر، کشته یا معلول شده و بیشتر آنها زنان و اطفال می‌باشند. انفجارها سبب می‌شود تا مردم ناشنوا و نابینا شده و یا دست و پای خویش را از دست دهند و همان‌گونه جروحات دیگر. صحت روانی نیز شدیداً در اثر خشونت‌ها آسیب می‌بیند. تخریب خانه‌ها، مکاتب، مراکز صحتی و وسایل معیشتی که در اثر منازعات و جنگ‌ها بوجود می‌آید نیز باعث معلولیت بیشتر، فقر و مرض می‌شود.



ماین‌های زمینی، بمب‌های خوشه‌ای، مرمی‌ها و مواد کیمیایی استفاده شده در جنگ‌ها موجب معلولیت‌های بیشتر نسبت به هر سبب دیگری در جهان امروز می‌شود. اینها اغلب سبب جروحات زنانه می‌شوند که مصروف فعالیت‌های روزانه خود مانند کار زراعتی و یا آوردن آب و هیزم می‌باشند.

مواد منفجره و ماین‌ها سبب مجروح شدن دست‌ها و پاهای زیادی می‌شود و اغلب مجبوراً دست یا پای یک خانم یا طفل قطع می‌شود. مگر صرف در حدود ۱ از هر ۴ شخصی که پایش قطع گردیده، می‌تواند پای مصنوعی را بدست آورد تا جایگزین پای قطع شده گردد. Mukti Limb و Jaipur Foot دو گروه هندی است که پاهای مصنوعی با کیفیت خوب را با قیمت کم می‌سازند. برای معلومات بیشتر در این مورد، صفحه ۳۷۷ دیده شود.

معاهده بین‌المللی برای ممنوع ساختن ماین‌های ضد پرسونل می‌تواند زندگی‌های زیادی را حفظ نموده و از معلولیت‌های زیادی جلوگیری بعمل آورد، مگر بعضی دولت‌ها هنوز امضاء نمودن آنرا رد نموده اند. در صورتی که دولت شما آنرا امضاء ننموده باشد، فشار وارد نمایید تا آنرا امضاء کند.

تصادمات هستوی

بسیاری مردم به تعقیب مواجه شدن به مقادیر زیاد شعاع مصاب حادثه و رنج شده اند. یکی از این واقعات در سال ۱۹۷۹ در یک جزیره در ایالات متحده امریکا و واقعه دیگری در سال ۱۹۸۶ در چرنوبیل در اوکراین رخ داد. همچنان زمانی که ایالات متحده بمب‌های هستوی را در سال ۱۹۴۵ در جاپان انداخت این واقعه رخ داد. واقعه تخریب پایگاه برق هستوی فوکوشیمای جاپان در سال ۲۰۱۱ باز هم تکرار این ماجرا بود. این واقعات سبب تخریبات وسیع و مرگ‌های زیادی از سبب مواجه شدن به شعاع هستوی شد.

افرادی که از این واقعات و بمب‌ها زنده ماندند عمدتاً از سرطان‌های نواحی مختلف بدن، بخصوص سرطان‌های غده تیروئید و سرطان خون در رنج بودند، که همه اینها مرگ زودرس را در قبال دارند. در جوامعی که این تصادمات هستوی واقع شد تعداد زیادی اطفال با مشکلات یادگیری (مانند سندروم Down) تولد شدند.

دست‌رسی کم به مواظبت‌های صحی

مواظبت‌های صحی خوب می‌تواند از بسیاری معلولیت‌ها جلوگیری نماید. مشکلات زمان ولادت می‌تواند سبب آن گردد که طفل با یک معلولیت مانند فلج دماغی یا Cerebral Palsy تولد شود. قابله‌های آموزش دیده می‌توانند خطرات را شناسایی نموده، به واقعات عاجل رسیدگی نمایند که این سبب میشود تا از معلول شدن اطفال زیادی وقایع بعمل آید. معافیت با واکسیناسیون می‌تواند از یکتعداد زیاد معلولیت‌ها جلوگیری نماید. مگر بعضی اوقات واکسین موجود نیست و یا مردمی که فقیر اند و بسیار دورتر از مراکز صحی زندگی می‌نمایند، به آن رسیدگی کرده نمی‌توانند و یا مشکلات امنیتی و عقاید خرافاتی مانع میشود تا والدین اطفال خود را غرض واکسین انتقال دهند.

مریضی‌ها



هرگاه یک خانم در ۳ ماه اول زمان حاملگی مصاب سرخک‌انچه (German Measles – Rubella) شود، ممکن است طفل وی ناشنوا به دنیا آید.

بعضی امراض در زمان حاملگی سبب میشود که طفل در زمان تولد معلولیت‌های ذهنی یا فیزیکی داشته باشد. از جمله امراضی که می‌تواند سبب سوء تشکلات ولادی شوند یکی مرض سرخک‌انچه (Rubella = German Measles) می‌باشد که معمولاً سبب ناشنوایی اطفال می‌گردد. برای وقایع از سرخک‌انچه یک نوع واکسین وجود دارد، مگر خانمی که واکسین سرخک‌انچه را می‌گیرد باید اقلاً تا یک ماه بعد از آن حامله نشود.

سفلیس (صفحه ۱۶۳ را ببینید)، تب خال (صفحه ۱۶۵ را ببینید) و HIV (صفحه ۱۶۹ را ببینید) نیز می‌توانند از مادر به طفل داخل رحم انتقال یافته و سبب سوء اشکال ولادی گردند. بعضی خانم‌ها باید در زمانی که طفل در رحم شان رشد و نمو می‌نماید، بخاطر امراض مقاربتی (میکروبی‌هایی که از طریق مقاربت جنسی انتقال می‌یابند) تحت معاینه و تداوی قرار گیرند.

بعضی امراض زمان طفولیت نیز باعث معلولیت شده می‌توانند، مانند مننژیت (التهاب پوش نخاع)، مرض پولیو (فلج اطفال) و مرض سرخکان. واکسین کردن اطفال غرض وقایع از این امراض بسیار بااهمیت است (صفحه ۲۷۶ را ببینید). هرگاه اطفال در محلاتی زندگی می‌نمایند که مرض جذام در آن معمول است، باید هرچه زودتر که ممکن باشد برای تشخیص این مرض معاینه شوند.

دواها و زرقیات

هرگاه بدرستی استفاده گردند، دواهای زرقی معینی مانند واکسین‌ها برای حفظ صحت و وقایه از معلولیت‌ها بسیار با اهمیت اند. هرچند یک اپیدیمی تطبیق زرقیات غیر ضروری در سراسر جهان هنوز وجود دارد.



تطبیق زرقیات با سرنج و سوزن ناپاک یکی از اسباب معمول انتقال میکروب‌ها و انتانات بوده که سبب امراض وخیم مانند HIV/AIDS ویا التهاب جگر می‌شوند. هر سال این زرقیات غیر ضروری میلیون‌ها نفر و بخصوص اطفال را مریض و معلول ساخته یا سبب مرگ ایشان می‌شود. زرقیات ناپاک همچنان یک سبب معمول انتاناتی می‌باشد که می‌توانند سبب فلج، تخریبات نخاع شوکی و یا مرگ گردند. همچنان بعضی دواهای زرقی می‌توانند سبب عکس‌العمل‌های حساسیتی خطرناک، مسمومیت و ناشنوایی اطفال در داخل رحم مادر گردند.

یک سوزن و سرنج نباید برای بیش از یک نفر و بیش از یک مرتبه استفاده شود، مگر اینکه بدرستی تعقیم گردد.

بعضی دواها هرگاه در زمان حاملگی مصرف شوند سبب معلولیت اطفال شده می‌توانند. استفاده بیش از اندازه لازم بعضی دواهای زرقی مانند اکسی‌توسین برای سرعت بخشیدن به ولادت و تقویت تقلصات ولادی، سبب محروم ساختن طفل از اکسیجن در زمان ولادت شده که این یک سبب عمده تخریبات دماغی می‌باشد. نوشیدن الکل و کشیدن تنباکو در زمان حاملگی نیز سبب زیان‌ها در جنین در حال رشد می‌گردد.

هرکس باید خطرات و مزایای احتمالی هر دوايي را که استفاده می‌نماید، در نظر بگیرد. دوکتوران، نرسان، دیگر کارکنان صحتی، فارمیست‌ها و همه افراد باید استفاده نابجا و استفاده بیش از حد دواها – بخصوص زرقیات را متوقف سازند.

وضعیت خطرناک کار

زنانی که ساعت‌های متوالی بدون استراحت کافی کار می‌کنند، مساعد به تصادمات و حوادث محل کار می‌باشند. زنانی که در فابریکه‌ها، معادن ویا غرس نهالی‌های زراعتی کار می‌نمایند، ممکن است مواجه به ماشین‌ها، وسایل ویا مواد کیمیای خطرناک شوند. تصادمات، کار بیش از حد و مواجه شدن به مواد کیمیای همه می‌توانند سبب معلولیت گردند.

تعداد در حال افزایش زنان همچنان بصورت ثابت و دوامدار در اثر خشونت در زمان وظیفه مصدوم می‌شوند. مسوولین بعضی اوقات خشونت و تهدید را بکار می‌برند تا زنان را وادار به کار مشکل‌تر و سریعتر نمایند. بعضی اوقات حکومت‌ها برای توقف زنان مظاهره کننده بر ضد غیرمصوون بودن شرایط کار، از پولیس ویا قوای نظامی استفاده می‌کنند.

تصادمات

بسیاری زنان و اطفال در منازل از اثر سوختن در هنگام پخت و پز، افتادن، حوادث در سرک ها و تنفس یا نوشیدن مواد کیمیای توکسیک مواجه به صدمات معلول کننده می‌شوند. تصادمات محل کار بخصوص در سکتورهای کمتر تنظیم شده، مانند کارهای ساختمانی، کارهای زراعتی، معدن کاری و تشیبات کوچک نیز اسباب معمول معلولیت‌ها می‌باشند.



زهریات و آفت کش‌ها

زهریات مانند سُرَب که در رنگ‌ها، آفت کش‌ها (مانند دواهای مرگ موش) و دیگر مواد کیمیای یافت می‌شود، می‌توانند سبب معلولیت‌ها در افراد شده و سوء تشکلات را در جنین در حال رشد داخل رحم بوجود آورند. کشیدن یا جویدن تنباکو، تنفس دود و نوشیدن الکل در زمان حاملگی نیز می‌تواند به طفل قبل از تولد ضرر برساند.

کارگران اغلب در هنگام کار و یا در ساحه با مواد کیمیای سرو کار دارند بدون آنکه برایشان تدریس شده باشد که چگونه این مواد را بصورت مصون و بی‌خطر استفاده کنند و حتی بدون آنکه از خطرناک بودن آنها واقف باشند. حوادث در فابریکه‌ها می‌تواند باعث آزاد شدن زهریات در هوا، آب و یا زمین شده که سبب مشکلات صحتی خطرناک، منجمله معلولیت‌های دوامدار می‌گردد.

این خانم یک کارگر زراعتی است و زمانی که حامله بود مواجه به مواد کیمیای خطرناک گردید. این حالت بر طفل داخل رحم وی اثرات سوء گذاشته و او معلول به دنیا آمد.

معلولیت‌های ارثی

ارثی بودن بعضی معلولیت‌ها شناخته شده است، مانند اتروفی (عدم رشد) و یا دیستروفی (تنشوش در رشد) عضلات ستون فقرات که یک مرض عضلی و عصبی می‌باشد. خانم‌هایی که قبلاً یک یا چند طفل با

معلولیت ارثی دارند بسیار امکان دارد که باز هم اطفالی را با عین همان معلولیت به دنیا آورند. یکتعداد معلولیت‌های دیگر در تولد اطفالی دیده میشود که زن و شوهر قرابت خانوادگی بسیار نزدیک به هم داشته باشند (ازدواج‌ها در عین خانواده). اطفال تولد شده از مادرانی که ۴۰ ساله یا بیشتر از آن باشند بسیار امکان دارد که معلولیت ذهنی (Down syndrome) داشته باشند.

چشم‌ها به شکل مایل و گوشه های آن بطرف بالا- بعضی اوقات بشکل متقاطع بوده و دید آن کم میباشد.

گوش‌ها پائینتر موقعیت دارند.



مشخصه‌های فیزیکی سندروم داون (Down) یا تأخر عقلی

دهن کوچک، باز مانده، کام بلند و باریک، زبان بیرون آویزان.

بهر حال بیشتر معلولیت‌ها منشاء ارثی ندارند. در بیشتر واقعاتی که والدین یک نوزاد معلول به دنیا آورده اند، سبب معلولیت دریافت شده نتوانسته است. آنها نباید هیچگاه ملامت شوند.

مفکوره‌های غلط و افسانه‌ها در مورد معلولیت

عرف و عادات و عقاید محلی ممکن است شامل مفکوره‌های غلط و مضر در مورد معلولیت باشد. بعضی مردم فکر می‌نمایند که یک زن از سببی معلول شده که خودش یا والدینش در زندگی کدام کار اشتباهی را انجام داده اند، یا ارواح نیاکان را رنجانیده اند و یا یکی از والدینش روابط نامشروع داشته است. مردم اکثراً مادر را ملامت می‌نمایند. مگر مادران نباید بخاطر معلولیت اطفالشان ملامت شده و یا مقصر دانسته شوند. مقصر دانستن و ملامت کردن کسی بخاطر معلولیت کمکی کرده نمی‌تواند.

یک مفکوره مضر دیگر در مورد معلولیت آنست که هرکسی تغییری در وجودش داشته باشد باید از جامعه بیرون رانده شود، استهزا شود و یا نکوهش کرده شود. بعضی مردم فکر می‌کنند که شخص دارای معلولیت یک نشانه یا فال بد است و یا بدبختی می‌آورد. زنان دارای معلولیت اغلب مورد سوء رفتار قرار می‌گیرند و یا مجبور ساخته می‌شوند که گدائی کنند و یا برای امرار معاش تن فروشی کنند.

بعضی اوقات زنان دارای معلولیت مورد سوء رفتار جنسی قرار می‌گیرند زیرا در بعضی جوامع مردم فکر می‌کنند که اینها عاری از ویروس HIV/AIDS هستند و یا این که مقاربت جنسی با یک خانم معلول مرض HIV/AIDS را شفا می‌بخشد.

مگر واقعیت اینست: هیچ خانم دارای معلولیت نباید در هیچ زمانی مورد سوء رفتار قرار گیرد. معلولیت هیچگاه یک مجازات آسمانی نیست. جادو و نفرین سبب معلولیت نشده است. معلولیت انتانی و ساری نیست و به دیگران سرایت نمی‌کند.



بعضی زنان حامله خود را از دوکان من دور می‌سازند، زیرا فکر می‌کنند که شاید طفل آنها مانند من ناشنوا به دنیا آید.

مردم همچنان ممکن است ندانند که یک خانم معلول چه کارهایی را انجام داده می‌تواند و چه کارها را نمی‌تواند انجام دهد. آنها نمی‌توانند درک نمایند که:

- شما یک فرد کامل هستید و می‌توانید تصمیم بگیرید.
- شما به تعلیم و تربیه ضرورت دارید.
- شما به مواظبت صحی ضرورت دارید.
- شما نیز مانند هرکس دیگر می‌توانید مصاب امراض شوید، مانند امراض سرطانی و HIV/AIDS.
- شما به فرصت‌ها و احترام نیاز دارید، نه به ترحم و دلسوزی.
- شما می‌توانید کار کنید. شما می‌توانید یک متخصص باشید و مقام و شغل داشته باشید.
- شما می‌توانید کسب عاید کنید، دارائی شخصی داشته باشید و خانواده خود را حمایت نموده و تقویت کنید.
- شما فکر می‌کنید، احساس می‌نمایید و هیجان‌ات خود را دارید.
- شما می‌توانید رقص کنید و یا تمرینات سپورتی نمایید.
- شما می‌توانید مسوولیت بگیرید، تصمیم بگیرید و نقش رهبری را داشته باشید و در کارهای اجتماعی سهم‌گیری نمایید.
- شما می‌توانید با شخص دیگری روابط نزدیک داشته باشید. شما می‌توانید کسی را دوست داشته باشید یا کس دیگری شما را دوست داشته باشد – این اشخاص می‌توانند بدون معلولیت بوده یا معلولیت داشته باشند.

من طفل نیستم و ضرورت ندارم که شما برای من فکر کرده و یا عملی انجام دهید.



من خداوند را ناخوشنود نساخته ام.
زمانیکه طفل بودم با یک پیچکاری
ناپاک به من دوا زرق کردند. از آن
سبب پاهایم فلج شده است.



این بسیار بد است،
احتمالاً این خانم
خداوند را ناخوشنود
ساخته است.

- شما تمایلات جنسی دارید، و شما می‌توانید از نظر جنسی فعال باشید.
- شما می‌توانید از دواج نموده و طفل داشته باشید.
- شما می‌توانید مقاربت جنسی داشته باشید، مگر شاید نخواهید که مقاربت جنسی نمایید.
- هرگاه شما در یادگیری و آموزش مشکلات دارید، باز هم نیازهای جنسی شما کمتر یا بیشتر از دیگر زنان نمی‌باشد.
- شما در اغلب حالات می‌توانید مانند دیگر زنان اطفالی را به دنیا آورید که معلولیت نداشته باشند.
- شما یک مادر خوب هستید.
- در صورتی که شما یک نارسائی فیزیکی دارید و یا یک معلولیت یادگیری دارید، شما مریض روانی و یا بی‌ثبات نیستید.
- شما دیگر افراد و یا اطفال را نفرین نمی‌کنید و شما یک فال بد نیستید که از شما اهتراز شود.

کار برای ایجاد تغییر

معلولیت یک خانم تنها خودش را متاثر نمی‌سازد. این حالت افراد زیادی را متاثر می‌سازد: خانواده، دوستان و بیشتر اعضای جامعه که خانم در آن زندگی می‌نماید. یک خانم دارای معلولیت می‌تواند بیشتر صحتمند باشد هرگاه اطرافیان او را حمایت نمایند. تغییر دادن طریقه برخورد با زنان دارای معلولیت یک کار مشکل است. مگر ناممکن نیست.

رویای من اینست تا روزی را ببینم که مردم
تمام جهان بالاخره درک کنند که داشتن
معلولیت به معنی مریض بودن نیست و این
که ما اکثراً بسیار صحتمند هستیم. و مانند
همه زنان ضرورت داریم که صحتمند بمانیم.



یک خانم دارای معلولیت چه کرده می‌تواند

کاری کنید که صدای شما توسط دادخواهان حقوق معلولین شنیده شود و خود را متیقن سازید که موضوع و بحث معلولیت یکی از اولویت‌ها شده باشد.

- محدودیت در یک موقعیت را رد نمایید. دلیر باشید و از تجارب مختلف استقبال نمایید.
- مهارت‌های تجارت را بیاموزید و خود را از نظر اقتصادی توانمند سازید.

یافتن مصونیت در بازار

خانم اوپه اندلوو از زیمبابوی یک استفاده‌کننده چوکی چرخدار است و یک عضو مورد احترام در جامعه خود می‌باشد. او یک برنامه موفق فروش سبزیجات و بادنجان رومی را شروع نمود. حالا، گروه‌های جامعه از وی سبزیجات می‌خرند. با این عاید ثابت، اوپه اندلوو توانست عواید خود را تنظیم نموده و یک خانه بخرد.



قصه‌های خود
را شریک
سازید.

- برای سهمگیری در همه سطوح جامعه پافشاری داشته باشید.
- به دیگر دختران و زنان نمونه مثال یا الگو باشید.
- در مورد معلولیت‌های خود صحبت نمایید.
- پیشنهاد یکجا شدن با دیگر دختران و زنان دارای معلولیت را بنمایید تا به جایی برسند که نیاز دارند.
- در سپورت‌ها اشتراک نمایید.

قهرمان ورزش به سطح المپیک

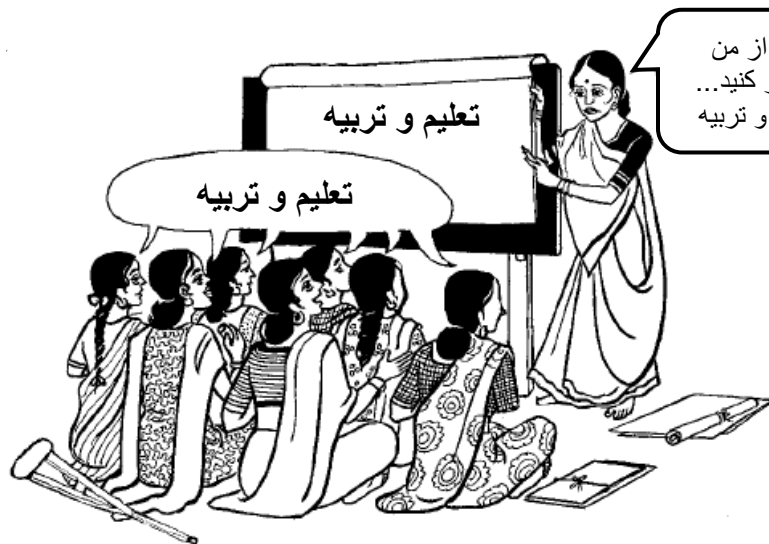
تعداد در حال رشد زنان در بازی‌های المپیک معلولان (Para-Olympic) اشتراک می‌نمایند، که یک رقابت ورزشی بین‌المللی برای ورزشکاران دارای معلولیت می‌باشد، بشمول معلولیت‌های حرکتی، قطع اعضاء، معلولیت‌های بینائی و فلج دماغی. بازی‌های المپیک معلولان هر ۴ سال یکبار، به تعقیب بازی‌های المپیک جهانی برگزار می‌شود. المپیک معلولان چشم‌های بیشتر مردم جهان را باز می‌سازد تا ببینند که زنان دارای معلولیت با اعتماد و مهارت زیاد مسابقه می‌دهند.



قهرمان بازی بولینگ (Bowler) افسانه‌ها را باطل ساخت

کونستانس سیبانا، یک ورزشکار بولینگ نابینا، در یوگاندا منحیت ورزشکار سال معرفی شد. او تمام افسانه‌ها و طلسم‌هایی که او را منحیت یک زن با معلولیت "یک فرد مرده و بی ارزش" ساخته بود، شکست و باطل ساخت. کونستانس قهرمان دو مرتبه ای مدال طلا در مسابقات جهانی شد. بعد از آن زمان مدال‌های دیگری را در ورزش بولینگ نابینایان تصاحب نمود و در مسابقات جنوب افریقا، سکاتلند و انگلستان اشتراک ورزید. کونستانس تمام دختران و زنان را دعوت می‌کند تا استعدادهای مخفی شان را تبارز دهند.

یکجا با هم شما می‌توانید تصمیم بگیرید که کدام چیزها می‌تواند در جامعه شما تغییر یابد تا زندگی برای همه بهتر گردد. طور مثال شما می‌توانید:



- یک صنف سواد آموزی برای زنانی که خوانده و نوشته نمی‌توانند تاسیس کنید.
- با هم یک تجارت کوچک را شروع نمایید، ساختن و فروش صنایع دستی یا وسایل.
- شریک ساختن معلومات با یکدیگر در مورد خدمات موجود در جامعه تا برای همه بیشتر قابل دسترس گردد.
- کوشش نمایید تا منبع مالی را از طریق قرضه بدون سود و یا کمک بلاعوض حصول نمایید تا یک پروژه عایداتی را شروع کرده و یا جامعه را بیشتر قابل دسترس بسازید.
- آگاهی را در مورد معلولیت افزایش دهید و برای طرق جدید تفکر در مورد غیر وابستگی دادخواهی نمایید.
- با رهبران محلی و یا دولت کار نمایید تا رفتار بهتر با زنان دارای معلولیت را حاصل کنید.

شما همچنان می‌توانید گروه‌های اجتماعی را کمک کنید:

- به اسباب مختلف مشکلات صحی‌ای که شما و دیگر زنان معلول به آن مواجه می‌باشید توجه نمایید و تصمیم بگیرید که کدام یک را جامعه تغییر داده می‌تواند.
- با دادخواهی برای فعالیت‌ها و خدماتی که زندگی را برای همه بهتر سازد اقدام عملی نمایید، که این می‌تواند شامل مواظبت صحی بهتر، تعلیم و تربیه و ترانسپورت برای افراد دارای معلولیت باشد. برای قابل دسترس شدن تسهیلات پافشاری و اصرار نمایید.

زمانی افراد ناشنوا در مملکت یوگاندا اجازه نداشتند تا رانندگی کنند. مگر از سبب اعتراضات ما، حالا ما می‌توانیم موتر بخریم و رانندگی نماییم.



- یک گروه کوچک بسازید. صدای یک سازمان رساتر از صدای یک نفر است. پلان نمایید این که گروه چه کارهایی را انجام دهد و کدام قدم‌ها را باید بردارد تا هر یک از نظریات را عملی سازد.
- در مقابل پالیسی‌ها و قوانینی که در مقابل شما تبعیض روا می‌دارند، صدای خود را بلند نمایید.

تعلیم دادن مردم تا دسترسی حاصل کنند

خانم دروتی یک استفاده کننده از چوکی چرخدار در بنگلور یک ایالت در مرکز هند است. او متوجه شد تعمیراتی که در آن دفتر مسوول ایالت قرار دارد سطح مایل ندارد. همچنان دروازه تعمیر بسیار تنگ است و او داخل شده نمی‌تواند. او در این مورد به محافظین گفت و پافشاری کرد که برایش وقت بدهند تا با مسوول ایالت ملاقات نماید.

بعد از آن خانم دروتی صدها ایمیل فرستاد تا به مردم بگوید که چه واقع شده است. اینکار فشار را روی حکومت زیاد ساخت تا تغییر ایجاد کنند.

در یک زمان دیگری، خانم دروتی در یک مسابقه کریکت اشتراک نمود، در آنجا پولیس از وی پرسید "چرا تو می‌خواهی که اینجا بیایی تا بازی کریکت را بصورت مستقیم ببینی؟ میتوانستی در خانه بنشین و راحت از طریق تلویزیون مسابقه را ببینی". خانم جواب داد، فقط مثل دیگران، من هم می‌خواهم که مسابقه را زنده ببینم.

خانواده‌ها چه کرده می‌توانند

طرز برخورد با زنان دارای معلولیت توسط خانواده، دوستان و دیگر مردمی که آنها را کمک می‌نمایند، یک تغییر بزرگ را بوجود آورده می‌تواند. بسیاری اوقات به یک دختر معلول به نظر یک شخص احمق، وابسته، کسی که نمی‌تواند به خود و دیگران کمک نماید دیده می‌شود و بنابراین آنها لیاقت داشتن هیچ منبع و سرمایه زندگی را ندارند. بعضی اوقات خانواده‌هایشان آنها را به دیده یک بار ننگ و شرم آور که باید مخفی بماند، می‌بینند و بناءً حقوق ایشان را در مورد این که صدای آنها شنیده شود و یا تصمیم خود را داشته باشند، نادیده می‌گیرند.

هرگاه اینگونه در خانواده و یا در جامعه برخورد صورت گیرد، مشکل زن یا دختر دارای معلولیت نیست، مشکل در مردم اطراف آنهاست.



اعتماد به نفس را تقویه نمایید

زمانی که کریستینا ۱۳ ساله بود، پایش در اثر یک مریضی قطع شد. در ابتدا کریستینا فکر می‌کرد که این آخر خط برای رویاهایش است. اما والدین با وی برخورد خوب نمودند و بسیار زود اعتماد به نفس کریستینا دوباره برگشت. در ابتدا والدین کریستینا از وی بیشتر محافظت می‌نمودند، مگر او اصرار نمود که با وی مثل دیگر اعضای خانواده برخورد شود. کریستینا موفق شد که فاکولته را خلاص کند و جایزه بهترین شاگرد را گرفت. تغییر در کریستینا دیگر اعضای خانواده و جامعه وی را بر آن داشت تا درک نمایند که از دست دادن پا برای کریستینا به معنی آن نیست تا از رسیدن به آرزوهایش باز ایستد.

یگانه چیزی که این طرزتفکر را میتواند تغییر دهد بلند بردن آگاهی جامعه است. دختران و زنان دارای معلولیت به غذای خوب، تعلیم و تربیه، مواظبت صحتی و همچنان فرصت‌هایی ضرورت دارند تا در فعالیت‌های فیزیکی و اجتماعی شامل گردند. فصل‌های "صحت روانی" و "حمایت از مواظبت کنندگان" دیده شود.



شما میتوانید مهارت‌های زیادی داشته باشید

خانم هانگها از مملکت لاووس زمانی که ۲ ساله بود مصاب پولیو گردید. با حمایت خانواده‌اش او توانست از دانشگاه با داشتن دیپلوم زبان فرانسوی فارغ شود. زمانی که هانگها نتوانست وظیفه پیدا کند، خیاطی را آموخت و یک دوکان خیاطی را در خانه اش باز کرد. همراه با خیاطی او آموختن انگلیسی را آغاز کرد. خانم هانگها با یک دوستش بعدا یک مرکز کوچک آموزش زبان انگلیسی را افتتاح کرد. همچنان او هماهنگ کننده یک برنامه برای معلولان است.

کمک مقدم

تمام اطفال در اولین سال‌های زندگی شان مهارت‌های فیزیکی، روانی، ارتباطات و مهارت‌های اجتماعی را بیشتر خواهند آموخت و می‌توانید به سرعت بیشتر و به آسانی، نسبت به هر زمان دیگر در زندگی، این مهارت‌ها را به ایشان آموزش دهید.

از آنجایی که طفل بزودی بعد از تولد شروع به آموختن می‌نماید، حایز اهمیت است که خانواده‌ها اطفال دارای معلولیت خود را هرچه زودتر که ممکن باشد با دادن توجه بیشتر، کمک نمایند.

این مهم است زیرا هر مهارت جدیدی را که طفل بعداً می‌آموزد روی مهارت‌های قبلی وی اعمار می‌شود. همچنان هر مهارت جدید توانایی‌اش را برای آموختن مهارت‌های بعدی و مشکل‌تر افزایش می‌دهد. بناءً زمانی که یک طفل یک مهارت را نیاموخته باشد، نمی‌تواند مهارت‌های دیگر وابسته به آنرا بیاموزد.

افتتاح یک گروه سپورتی برای والدین اطفال دارای معلولیت

زنان دارای اطفال معلول اغلب از طرف همسران تنها گذاشته می‌شوند و مجبورند که خودشان به تنهایی اطفال خود را پرورش دهند. گروه‌های حمایت از والدین می‌توانند کمک کننده باشند. زنان کاهل دارای معلولیت می‌توانند در مورد تشویش‌هایی که دختران دارای معلولیت در زمان رشد خود به آن مواجه می‌گردند، برایشان مشوره بدهند. این می‌تواند به مادران شان کمک نماید تا آنها را بهتر حمایت و تقویت نمایند.

همچنان شما می‌توانید یک گروه سپورتی را برای اطفال نوجوانی که معلولیت دارند، داشته باشید تا ایشان بتوانند یکدیگر خود را کمک و تقویت نمایند.

جامعه چه کرده می‌تواند

گروه‌های جامعه می‌توانند به دولت، کارکنان صحی، معلمان، کارکنان بازتوانی سطح جامعه و رهبران جامعه کمک نمایند تا در مورد پیامدها و مسایل مربوطه به معلولیت بیاموزند. آنها همچنان می‌توانند سطح آگاهی جامعه را با نمایش‌های روی سرک، بحث‌ها و دیگر روش‌ها در مورد این که زنان دارای معلولیت دارای حق مساوی به تعلیم و تربیه، مواظبت صحی و انتقالات مانند افراد بدون معلولیت می‌باشند- افزایش دهند. جوامع می‌توانند فرصت‌های کاری را برای زنان دارای معلولیت ایجاد نموده و به آنها در مورد خدمات و تسهیلات موجود معلومات بدهند.



زمانی که کارکنان صحی، معلمان، رهبران جامعه، خانواده‌های ما و همسایه‌ها گرایش‌ها و عادات خود را در مورد معلولیت تغییر دهند، ما می‌توانیم کار خود را انجام دهیم، ارتباطات قوی برقرار سازیم و جامعه خود را غنی و قوی سازیم.

دختران و زنان دارای معلولیت زمانی اعتماد به نفس پیدا کرده، بر خود اعتقاد می‌داشته باشند و با تمام امکانات رشد خواهند کرد که والدین و خانواده آنها را دوست داشته و قبول نمایند و همچنان هرگاه بتوانند تعلیم، وظیفه و مواظبت‌های صحی را حاصل نمایند. تمام منابع جامعه مانند مکاتب، بانک‌ها، مکان‌های دینی- مذهبی، شفاخانه‌ها و کلینیک‌ها باید برای همگان قابل دسترس ساخته شود.

تعلیم و تربیه



دختران معلول نسبت به پسران معلول فرصت‌های کمتری جهت رفتن به مکتب دارند.

تعلیم و تربیه بشمول تعلیم در مورد زبان اشاره و خط بریل یا کست‌ها (حافظه‌های) صوتی برای دختران دارای معلولیت و آن دخترانی که ناشنوا یا نابینا می‌باشند، بسیار با اهمیت است.

در بسیاری ممالک فقیر، هرگاه یک دختر معلول نتواند به مکتب برود و تعلیم فراگیرد، زمانی که بزرگتر شود برای ادامه حیات به گدائی خواهد پرداخت.

فهمیدن خواندن و نوشتن برایم این امکان را فراهم ساخت تا زندگی با وقاری داشته باشم.



در صورتی که تمام جامعه برای تامین حق تعلیم و تربیه برای معلولان کار نمایند، تغییر بزرگی ایجاد خواهد شد.

گروه‌های سطح جامعه می‌توانند روی مشکلات بحث نموده و همه بشمول اطفال را تشویق نمایند تا آمدن دختران معلول را در جمع شان خوش آمد گفته و به آنها احترام داشته باشند. آنها می‌توانند تعلیم و تربیه کودکانی یا مکتب ابتدایی را شروع نموده، از حکومت تقاضای کمک نمایند و یا به طریق دیگری معلولان را کمک کنند.

دختران دارای معلولیت هرگاه تعلیم یافته باشند می‌توانند جامع خود را تقویت بخشیده و بیشتر غنایم سازند.

محلات را برای همه قابل دسترس سازید

زنان دارای معلولیت همه در سراسر جهان سازمان می‌یابند تا کلینیک‌ها، مکاتب، بازارها، سرک‌های شهر، بس‌ها و محلات زیست را برای افراد دارای معلولیت بیشتر قابل دسترس سازند.

جوامع زمانی می‌توانند یقینی سازند که تعمیرها و سرک‌ها قابل دسترس برای همه است که ترجیحاً از ابتداء این موضوع در طرح و نقشه در نظر گرفته شده باشد نسبت به این که بعداً بخواهند تغییراتی در آنها ایجاد نمایند. به این ترتیب تمام تسهیلات عامه در حد ممکن قابل دسترس به همگان خواهد بود، بدون محدودیت سن، توانائی و یا وضعیت شان. آنها به همه مردم اگر پیر باشند یا جوان، معلول باشند یا غیر معلول، در فضای مطلوب یا وضعیت مشکل خدمات خواهند رساند. (صفحات ۳۸ تا ۴۰ دیده شود).

من احساس درماندگی دارم. همیشه مجبور هستم برای خارج شدن از خانه روی کمک دیگران حساب کنم. اگر یک سطح مایل در پهلوی زینه‌های خانه ما و همچنان یک سطح مایل در همه تعمیرهای عامه موجود می‌بود، می‌توانستم خودم درین ماحول حرکت کنم. می‌توانستم هر وقت می‌خواهم بیرون شوم و مجبور نبودم همیشه منتظر کس دیگری باشم.



هرگاه مکان‌ها قابل دسترس باشند، برای همگان آسانتر خواهد بود تا بیشتر در جامعه دخیل شوند.

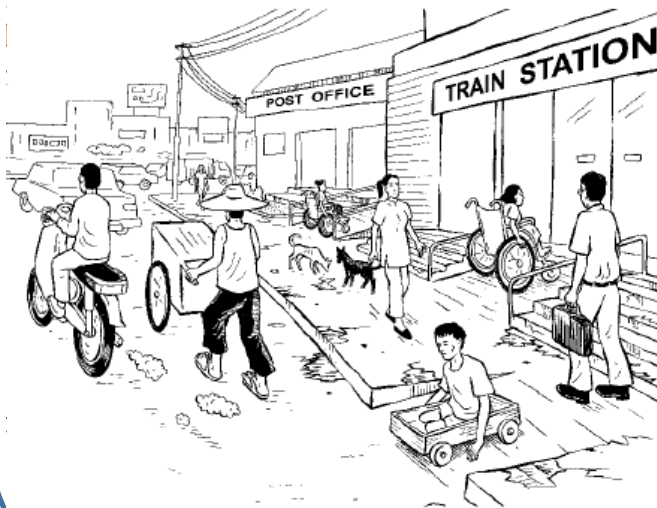
مگر باید بخاطر داشت که دسترسی چیز است بیشتر از موارد فیزیکی مثل موجودیت یک سطح مایل. دسترسی همچنان به معنی آنست که همه می‌توانند با هم مفاهمه نموده و بدانند که چه واقع می‌شود. در آنصورت یک زن دارای معلولیت می‌تواند کار بیشتری برای خودش انجام دهد و افراد بیشتری خواهند دید که معلولیت یک بخش طبیعی زندگی است. وقتی افراد دارای معلولیت اعضای بازارش جامعه باشند، جامعه شروع به تغییر طرز تفکر خود در مورد معلولیت خواهد کرد.

حکومت‌ها باید منابعی را تهیه بدارند که برای قابل استفاده ساختن سیستم ترانسپورت، تعمیرات، برنامه‌های عامه و تسهیلات برای همه منجمله برای زنان دارای معلولیت، ضروری است. بعضی حکومت‌ها سیستم‌هایی را که نمی‌خواهند در این مورد همکاری کنند، جریمه نیز می‌نمایند.



در اینجا مثال‌هایی است که نشان می‌دهد چگونه زنان دارای معلولیت در زندگی خود تغییر وارد می‌نمایند.

متقاعد ساختن دولت تا تغییر ایجاد کند



مرکز ارتقاء زنان دارای معلولیت در لائوس بعد از اشتراک در یک کارگاه آموزشی در مورد دسترسی بلامانع، یک ویدیو را در مورد دسترسی بلامانع برای افراد دارای معلولیت تولید نمود. آنها شروع نمودند به صحبت نمودن با سکتورهای مختلف دولتی در مورد تسهیل نمودن سهمگیری افراد معلول در جامعه. نظریه ایشان توسط دفتر صدراعظم، وزارت ارتباطات، وزارت ترانسپورت، وزارت ساختمان، وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت خارجه مورد تائید قرار گرفت. آنها توانستند بودیجه بدست آورند تا سطوح مایل را در ۴۷ مکان عامه در وینتیان مرکز مملکت لائوس اعمار نمایند.

زنان برای ممکن ساختن دسترسی کار می‌نمایند

وقتی خانم الیسیا کنتزیراس از مکسیکو در طفولیت از سبب پولیو معلول گردید، والدینش فکر نمی‌کردند که لازم باشد او به مکتب برود. مگر فزیتراپیست آنها درک نمود که الیسیا چقدر باهوش است. او والدین الیسیا را ترغیب نمود تا او را به مکتب شامل سازند و الیسیا اولین شاگرد معلول در مکتب شد. سرانجام الیسیا شامل دانشگاه شد. صنف دلخواهش در طبقه سوم قرار داشت. از آنجایی که الیسیا از چوکی چرخدار استفاده می‌نمود، هر روز روی دست‌ها و زانوهایش روی زینه‌ها می‌خزید تا خود را به طبقه سوم به صنف اش برساند.

در جریان سال اخیر دانشگاه، الیسیا یک گروه زنان معلول را بنام "دسترسی آزاد" ملاقات کرد که برای ایجاد تغییر در جامعه خود کار می‌نمودند. گروه به این عقیده بود که آنها عین همان حقوقی را دارند که دیگران دارند و برای قابل دسترس ساختن بیشتر جامعه کار می‌نمودند.

زنان در "دسترسی آزاد" مستقیماً به رئیس ادارات و موسسات مراجعه می‌نمودند و کوشش می‌کردند تا آنها را برای ایجاد تغییر متقاعد سازند تا زندگی افراد دارای معلولیت بهبود یابد. طورمثال، آنها با رئیس ترانسپورت شهر خود صحبت نمودند. آنها تشریح نمودند که تا چه اندازه برای افراد دارای معلولیت مشکل است که در شهر حرکت نموده یا از وسایل ترانسپورت عامه استفاده کنند. رئیس ترانسپورت تحت تأثیر آنها قرار گرفت و بسیاری بس‌ها را برای معلولین قابل دسترس ساخت.

الیسیا نیز تصمیم گرفت که برای تغییر کار نماید. او نزد رئیس دانشگاه رفت و از او خواست که صنف آنها را از طبقه سوم به طبقه اول انتقال دهد. رئیس دانشگاه بزودی موافقه کرد. الیسیا گفت: "آنها یک اتاق دیگر در طبقه اول داشتند"، مگر رئیس دانشگاه هیچ‌گاه در مورد این واقعیت فکر نکرده بود که شاگردان معلول نخواهند توانست که به صنوف شان بروند، و من هم فکر نکرده بودم که این تقاضا را بنمایم. بعد از آن الیسیا مجبور نبود رنج بالا شدن در زینه‌ها را داشته باشد.



تغییر آوردن در پالیسی یا سیاست‌های کاری، آسان نیست. این یک کار طولانی و دشوار است. اینکار بعضاً سال‌ها و تلاش زیاد توسط تعداد زیادی مردم را ضرورت دارد. هرگاه می‌خواهید یک پالیسی را تغییر دهید، شما باید در مورد قیمت، تعداد افراد متأثرشده و سیاست‌های موجود در عقب آن پالیسی معلومات داشته باشید. زمانی که برای یک تغییر سازمان‌دهی می‌نمایید، ممکن است بسیار بسهولت ناامید شوید. وقتی احساس ورشکستگی و یا ناامیدی می‌نمایید، تلاش کنید تا از دیگر زنان دارای معلولیت از سایر نقاط مملکت خود و حتی خارج از مملکت مشوره بگیرید. و بخاطر داشته باشید که شما حق دارید تا از تسهیلات عامه استفاده نمایید. شما می‌توانید یک جامعه قابل دسترس را ایجاد کنید.

اینجا داستانی از افراد دارای معلولیت است که باهم یک گروه را ساختند و تغییرات بزرگی را در شهر خویش بوجود آوردند.

قابل دسترس ساختن یک شهر

در اکاترینبورگ روسیه، یک سازمان بنام "جامعه آزادی حرکت" یکجا با حکومت کار می‌نماید تا شهر خود را بیشتر قابل دسترس بسازند. قانون روسیه ملزم می‌دارد که افراد دارای معلولیت باید توانایی استفاده از تعمیرات عامه و بس‌ها را داشته باشند، مگر بسیاری محلات عامه هنوز قابل دسترسی نیست. والی شهر اکاترینبورگ یک برنامه معلولیت را بوجود آورد تا تعمیرات را قابل دسترس سازند.

اما یک گروه افراد دارای معلولیت که از چوکی چرخدار و عصای زیربغل استفاده می‌نمودند دریافتند که هرچند دولت تلاش می‌ورزد تا کمک نماید، بسیاری از تعمیراتی که تغییر داده شده است هنوز برای استفاده افراد دارای معلولیت بسیار مشکل دارد. آنان دریافتند که حکومت بدون کمک افراد دارای معلولیت نمی‌تواند اینکار را انجام دهد.



لذا، آنان گروه "جامعه آزادی حرکت" را تاسیس نمودند. آنان کار خود را با تهیه لست مهمترین اماکن در شهر که باید قابل دسترس ساخته شوند، آغاز نمودند. آنها با مسولین شهر دیدار نموده و لست خود را به ایشان نشان دادند. شهردار متوجه شد که آنها به مشوره افراد دارای معلولیت نیاز دارند. گروه "جامعه با آزادی حرکت" خود را متیقن ساختند که اعضای شان شامل کمیته شهر شده اند که مسوول بهبود دسترسی شهر بود. افراد دارای معلولیت باید هر پروژه را که کمیته تصمیم اجرای آنرا می‌گرفت، تصویب می‌نمودند.

گروه "جامعه آزادی حرکت" رهنمودها و طرح‌هایی را ایجاد نمود که برای قابل دسترس ساختن تعمیرات باید استفاده می‌شد. آنها می‌توانستند از تعمیرهایی که می‌خواستند قابل دسترس ساخته شود، عکس برداری نمایند و بعداً تصاویر واضحی را تهیه می‌نمودند در مورد این که چگونه می‌خواهند تغییر ایجاد شود.

حالا تعمیرهای سابقه به آهستگی تغییر می‌خورند و رهنمودهای جدید در تمام شهر استفاده می‌شود. حالا در اثر کار و تلاش "جامعه آزادی حرکت"، تمام تعمیرهای جدید و بسیاری تعمیرهای دیگر برای افراد دارای معلولیت قابل دسترسی می‌باشند. پیاده روهای جدید در جاهایی که افراد با چوکی چرخدار از آن استفاده می‌نمایند، پائین‌تر ساخته شده است. تفریحگاه شهر جدید به آسانی برای افراد دارای معلولیت قابل استفاده است. گروه "جامعه آزادی حرکت" همچنان توانست چندین مکتب و همچنان سینما و تئاتر را قابل دسترس بسازد.

- جهان معلولیت

اقدام نمودن



در اینجا بعضی مفکوره‌های دیگری برای زنان دارای معلولیت است تا به جامعه شان کمک نمایند که قدم عملی بردارند.

- فعالیت‌های اجتماعی را سازمان دهید تا به دختران معلول کمک نماید که از خانه‌های خود بیرون شده و با دیگر افراد دارای معلولیت و دیگر دختران ملاقات نمایند.
- معلومات خود را مورد دریافت‌ها و کارهای انجام شده، شریک سازید.
- از زنانی که با آنها در خانه ویا در جامعه ویا در محل کار برخورد نادرست صورت گرفته حمایت نمایید.
- در مورد رهبریت و مهارت‌های اجتماعی برنامه‌های آموزشی را پیشنهاد نمایید.

تهیه منابع برای تغییر در یوگاندا



انجمن زنان معلول در یوگاندا یک برنامه دادن قرضه را پیش میکند تا زنان معلول بتوانند فعالیت عایداتی خود را داشته باشند، آنها تعلیمات و وسایل کمکی برای حرکت را تهیه می‌دارند و یک گروه درامه را پیش می‌برند تا آگاهی عامه را در مورد زنان معلول افزایش دهند. آنها برای حقوق زنان معلول و رفاه ایشان سعی و تلاش می‌نمایند، آنها برای تعلیم و تربیه بهتر برای اطفال معلول، برای آموزش مهارت‌های زندگی، غیروابسته، تشریک معلومات در مورد صحت باروری، و در مبارزه علیه فقر، جهالت، تفاوت‌های اجتماعی و امراض - دادخواهی می‌کنند.

در السلوادور زنان تغییر ایجاد می‌کنند

در السلوادور گروه مدافع حقوق معلولین برنامه‌هایی را برای زنان از سال ۱۹۸۷ بدینسو تنظیم نموده است که زنان دارای معلولیت را با پیشینه‌های مختلف باهم یکجا ساخته تا در مورد جنسیت و دیگر موارد به بحث بپردازند. آنها همچنان:



- برنامه‌های سواد آموزی و آموزش رهبریت را عرضه می‌نمایند.
- کمک‌ها و خدمات را برای دختران و زنان دارای انواع مختلف معلولیت فراهم می‌سازند.
- از تبعیض و خشونت جلوگیری می‌نمایند.

جوامع زمانی نیرومندتر خواهند بود که همه افراد در آن شامل باشند

روبای من اینست که روزی
تمام زنان دارای معلولیت
غیروابسته باشند، تشکیل
خانواده بدهند و از تسهیلات
اجتماعی مانند دیگران
بتوانند استفاده کنند!



با وجود موانع زیاد منجمله پیش قضاوت‌ها، نادیده گرفتن و تبعیض، زنان دارای معلولیت در تمام جهان مهارت‌های خود را برای خودکفائی بهبود می‌بخشند.

در زمان تصمیم‌گیری‌ها در سطوح مختلف و در تمام موضوعات (نه تنها موضوعات مربوط به معلولیت) باید صدای زنان دارای معلولیت شنیده شود. هیچ فردی جواب تمام سوالات را ندارد. هر شخص، زن و مردان با معلولیت یا بدون معلولیت، افرادی که برای حقوق بشر تلاش می‌نمایند و برای حقوق کارگران و برای وقار زنان در تمام نقاط جهان کار می‌کنند- باید باهم یکجا شوند تا زنان دارای معلولیت را حمایت نمایند که زندگی صحتمند، غیروابسته و پرحاصل داشته باشند. با یقینی ساختن رشد زندگی برای هریکی از ما، و با آموزش از یکدیگر، ما می‌توانیم یک جهان با عدالت بیشتر را برای همه اعمار نماییم.

بیایید روی تغییراتی در جامعه خود بحث
نماییم که به همه کمک نماید تا سهم
بگیرند و به همه افراد کمک کند تا
صحت بهتری داشته باشند.



